



### بسم الله الرحمن الرحيم

بحث در مسئله ۱۴ از مسائل مربوط به قضای صوم ماه رمضان بود، عرض کردیم کسی که عمدا روزه را خورده و قضای آن را انجام نداده تا رمضان سال بعد فرا رسیده است صاحب عروۀ قائل بود که چنین شخصی هم باید قضا را به جا آورد و هم کفاره بدهد (یک مد طعام برای هر روز) ایشان در این رابطه فرموده اند: «إذا فاته شهر رمضان أو بعضه لا لعذر بل كان متعمدا في الترك و لم يأت بالقضاء إلى رمضان آخر و جب عليه الجمع بين الكفارة و القضاء بعد الشهر».

بعد صاحب عروۀ اضافه می کند: «و كذا إن فاته لعذر ألف بل ارتفع في أثناء السنة و لم يأت به إلى رمضان آخر متعمدا و عازما على الترك أو متسامحا و اتفق و لم يستمر ذلك العذر عند الضيق فإنه يجب حينئذ الجمع و إما إن كان عازما على القضاء بعد ارتفاع العذر فاتفق العذر عند الضيق فلا يبعد كفاية القضاء لكن لا يترك الاحتياط بالجمع أيضا». یعنی همچنین است کسی که در به جا آوردن قضای روزه تسامح و امروز و فردا می کرده تا اینکه رمضان سال بعد فرا رسیده ایشان قائل است در این صورت نیز باید بین قضا و فدیة جمع کند، اما اگر قضا را به دلیل عذری که برایش به وجود آمده بود ترک کرد به این معنا که تصمیم به روزه گرفتن داشت ولی موانعی برایش به وجود آمد و ماه رمضان سال بعد فرا رسید در این صورت فقط قضا کافی است و کفاره لازم نیست. عرض کردیم منشأ این تفسیر روایاتی

است که باب ۲۵ از ابواب احکام شهر رمضان آمده است، این روایات بر دو دسته است؛ دسته اول اخبار ۲ و ۵ و ۱۰ از باب ۲۵ هستند که دلالت دارند بر قضا و فدیة و این روایات مطلق هستند لذا صورت تهاون در به جا آوردن قضا و عدم آن را نیز شامل می شوند. دسته دوم اخبار ۱ و ۶ و ۸ و ۱۱ از این باب ۲۵ هستند که مقید به تهاون و سستی در به جا آوردن قضا می باشند که در این صورت علاوه بر قضا کفاره هم به گردن فرد بار می شود. گفتیم به نظر ما دسته ی دوم، آن اخبار مطلقه را مقید می کند و گفتیم این ادیسیس به طور کلی منکر فدیة بود و سایر علماء از جمله علامه در منتهی و محقق در معتبر با ایشان مخالفت کردند و در صورت توانی قائل به جمع بین قضا و فدیة شده اند. صاحب عروۀ هم روایات مطلقه را بر مقیده حمل می کند ولی شراح چهارگانه عروۀ قائل به عمل به روایات مطلقه هستند و روایات مقیده را یا توجیح کرده اند و یا به سبب ضعف سند رد کرده اند و در نتیجه بین تهاون و عدم آن فرقی نگذاشته اند، بلکه صاحب عروۀ در آخر قائل به احتیاط مستحب در جمع می شود ولی بعضی از محشین قائل به احتیاط وجوبی هستند.

بعد صاحب عروۀ می فرماید: «و لا فرق فيما ذكر بين كون العذر هو المرض أو غيره». یعنی در مسئله مذکور، فردی که ماه رمضان قبل را روزه نگرفته است فرقی ندارد بین اینکه علت روزه نگرفتنش مرض باشد یا غیر آن و حتی اگر کسی عمدا هم روزه را نگیرد باز در تاخیر قضا تا سال بعد حکمش همان است که بیان شد. آیه الله بروجردی با ایشان مخالف است و می

فرماید ؛ ما باید به دلالت روایات نظر کنیم و در روایات فقط صورت عذر و مرض آمده است نه صورت ترک عمدی روزه .

صاحب عروة در انتهای کلامشان از مسئله ۱۳ و ۱۴ نتیجه گیری کرده می فرماید : « فتحصل مما ذکر فی هذه المسألة و سابقتها أن تأخیر القضاء إلى رمضان آخر إما یوجب الکفارة فقط و هی الصورة الأولى المذكورة فی المسألة السابقة و إما یوجب القضاء فقط و هی بقية الصور المذكورة فیها و إما یوجب الجمع بينهما و هی الصور المذكورة فی هذه المسألة نعم الأحوط الجمع فی الصور المذكورة فی السابقة أيضا كما عرفت » . یعنی کسی که در ماه رمضان روزه اش را خورد و تا رمضان سال بعد نگرفت از نظر قضا و کفاره سه صورت دارد ؛ اول صورتی که فقط کفاره دارد ؛ کسی که مریض است و مرضش تا سال بعد استمرار پیدا کرده است . دوم صورتی که فقط قضا دارد ؛ کسی که به خاطر سفر روزه اش را خورده است و بعد سفرش تا سال بعد ادامه داشته است فرض مزبور شامل کسی که بعد از اتمام مسافرت تا سال بعد مریض شده است و کسی که به خاطر مرض روزه را نگرفته و بعد سفری برایش پیش آمده که تا سال بعد به طول انجامیده نیز می شود . سوم صورتی که هم قضا دارد و هم کفاره ؛ صورتی که عمدا روزه را خورده باشد و بعد متسامحاً روزه را بجا نیاورده است ولی اگر تصمیم به قضا داشته و بعد عذری برایش به وجود آمده است فقط قضا دارد .

(مسئله ۱۵) : مسأله إذا استمر المرض إلى ثلاث سنين یعنی الرضمان الثالث وجبت كفارة للأولى و كفارة أخرى للثانية و يجب علیه القضاء للثالثة إذا استمر إلى آخرها ثم برئ و إذا استمر إلى أربع سنين وجبت للثالثة أيضا و يقضى للرابعة إذا استمر إلى آخرها أي الرضمان الرابع و أما إذا أخرج قضاء السنة الأولى إلى سنين عديدة فلا تتكرر الکفارة بتكررها بل تكفيه كفارة واحدة .

این مسئله در مورد این است که اگر کسی مرضش تا سه سال ادامه یافت و وقتی رمضان سوم تمام شد حالش خوب شد در این هنگام برای رمضان اول و دوم باید کفاره بدهد ولی قضای رمضان سوم را باید بگیرد چون حالش خوب شده است . اگر بعد از رمضان سوم هم خوب نشد تا رمضان چهارم رسید برای رمضان سوم هم باید کفاره بدهد و قضا ندارد در این هنگام اگر در رمضان چهارم هم مریض بود و بعد از آن خوب شد باید قضای رمضان چهارم را به جا آورد .

صاحب عروه در انتهای کلامشان می فرمایند ؛ اگر قضای یک سال به سال بعد بیفتد و کفاره هم به گردش باشد چه قضا یک سال آن را به تاخیر اندازد و چه چند سال کفاره اش بیشتر نمی شود . بقیه بحث بماند برای جلسه بعد ...

و الحمد لله رب العالمين اولاً و آخراً و صلى الله  
على محمد و آله الطاهرين